میرزا ابراهیم شاه

امین، سید حسن

حکیم مرتاض و عارف قلندر مشرب مرحوم آقا میرزا ابراهیم مشهور به‏ «شاه»از سادات عربشاهی سبزوار،عارفی کامل و عالمی صاحبدل بود. پدرش میرزا محمد علی بن حاج میرزا محمد علی از اشراف سادات عربشاهی‏ و مادرش سبیه مرحوم آقا مپرسید جعفر زاهد از سادات حسینی کلاته سادات کوه- میش سبزوار1بوده است.

مرتضی مدرسی چهاردهی طی یکی از داستانهائیکه سالها پیش در مجله‏ جلوه به عنوان کرامت‏های حکیم و عارف شهیر حاج ملاهادی سبزواری نوشته‏ است از زبان برادر صاحب ترجمه(میرزا محمود عربشاهی که شرح حالش به‏ ضمیمه خاطرات شادروان دکتر قاسم غنی در شمارهء هیجدهم مجله خاطرات وحید چاپ شد)داستانی راجع به زندگی پدرشان میرزا محمد علی عربشاهی نقل کرده است. میرزا ابراهیم پس از فراغ از تحصیل ادبیات فارسی و عربی و مقدمات‏ در ریمان شباب جهت آموختن فقه و اصول مدتی از محضر مرحوم آقا میرزا یوسف عربشاهی که فرزندش میرزا عبد اله عربشاهی شوهر خواهر میرزا (1)-کلات سادات،دهکده‏یی‏ست در بخش ششتمه شهرستان سبزوار، که پیشتر بدان«کلاته جدین»می‏گفتند بسال 1015 هجری از دور قمر یکتن از مشاهیر و بزرگان آن عصر،مرحوم میرزا حسینی کسکنی سبزواری، این کلاته را بتمامی بر فرزندش میرزا محمد صالح و پس از او بر فرزندان ذکور وی-برابر وقف‏نامه موجود وقف کرده است و از آنروزگار بازجدین به کلات‏ سادات تغییر نام داده است.

شاعر معروف میرزا محمد کسکنی که در آتشکده و دیگر تذکره‏ها ذکر او آمده است از این خاندان است و و این دو بیتی معروف از این شاعر است:

فریاد از آن نرگس مستی که تو داری‏ داد از دل بیگانه‏پرستی که تو داری‏ ترسم که یکی از اهل وفا زنده نماند در کشتن این طایفه دستی که تو داری ابراهیم صاحب ترجمه بوده است بهره جسته مقارن همین اوان نزد همسر مرحوم‏ ملا فاضل سبزواری نیز تلمذ داشته و پس از چندی با سبیه ملا فاضل مذکور فاطمه نام-ازدواج میکند.

ثمر:این ازدواج یک پسر(مرحوم آقا میرزا حسین محدث عربشاهی) و یکدختر(مسماة به مریم،مادر آقای سید محمد باقر سبزواری سخنران‏ مذهبی رادیو ایران و استاد دانشکدهء الهیات)است.

اما میرزا ابراهیم بفاصله کوتاهی از زندگی عادی خسته و ملول شده‏ دست از تحصیل برداشته شهر و دیار را وداع کرده و زن و فرزند را به پدر خویش میرزا محمد علی میسپارد و چون پدرش مالک قریه سوهان بوده است‏ بدان سامان رخت اقامت افکنده مدتی منزوی میشود و سپس با عرفا و ارباب‏ ذوق و اصحاب شوق مأنوس شده عاقبت در راه افتاده به سنت درویشان با ریشی انبوه و گیسوانی دراز،چنته آویخته،تبر زین بر دوش،کشکول در دست به سیروسیاحت و خدمت و ریاضت مشغول میشود تا آنکه در مشهد همسری‏ دیگر اختیار میکند که مرحوم آقا میرزا اسماعیل عربشاهی ثمرهء این ازدواج است. میرزا ابراهیم بمناسبت لقب طریقتی و هم بجهت آنکه از سادات عربشاه‏ بوده است در مشهد به«آقای شاه»مشهور میشود و این لقب بعد از او برای فرزند ارشدش مرحوم میرزا حسین محدث بیادگار میماند.

شیخ محمد حسن سالک سبزواری شاعر معروف مقیم مشهد برای شاه چنین‏ ساخته است:

شاهی که به فقر شهریار است‏ وز قدر امیر روزگار است‏ با این همه علم و دانش و فضل‏ بد نام ز نام سبزوار است!

و معروف است که ناصر الدینشاه قاجار در سفر خراسان خطاب بمیرزا ابراهیم شاه گفته است:

-شنیده‏ام در خراسان خروج کرده خود را شاه نامیده‏یی

و میرزا ابراهیم میگوید.

-خلاف بعرض رسانده‏اند خروج نکرده‏ام«دخول»می‏کنم؟

میرزا ابراهیم عاقبت در حدود سال‏های 1315 هجری قمری بدرود زندگی گفت.